

خوشه‌های صنعتی و توسعه صنایع کوچک

دکتر جعفر بیک زاد *

حامد تیرانداز **

چکیده:

در سال‌های اخیر در رویکردهای مربوط به تحولات اقتصادی و صنعتی، تغییرات اساسی و عمیقی رخ داده است. یکی از راه‌های توسعه صنعتی که در سال‌های اخیر مورد توجه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته قرار گرفته روی آوردن به کوچک‌سازی صنایع و اتکاء به توسعه و گسترش این صنایع است. صنایع کوچک روز به روز در حال رشد و فزونی است و امروزه در اکثر کشورهای جهان، صنایع کوچک و متوسط از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، تولید صنعتی و ارائه خدمات در حال نقش آفرینی هستند و این صنایع تأمین کنندگان اصلی اشتغال جدید، مهد تحول و نوآوری و پیشرو در ابداع فناوری‌های جدید می‌باشند. گسترش صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد کشورها موجب افزایش تأثیر آنها بر شاخص‌های اقتصادی در سال‌های اخیر شده است. صنایع کوچک و متوسط به عنوان بستر مناسبی برای ایجاد صنایع رقابت پذیر و توانمند محسوب شده و در اکثر کشورها بر سیاست‌گذاری مناسب برای این صنایع تأکید شده است لذا بسیاری از کشورها شکل‌گیری و تقویت صنایع کوچک و متوسط در مناطق صنعتی را در قالب خوشه به عنوان یک استراتژی توسعه صنعتی منطقه‌ای مد نظر قرار داده و در این میان توسعه و گسترش خوشه‌ها به یک استراتژی کارآمد برای کسب مزیت رقابتی و رشد کارآفرینانه در اقتصاد جهانی تبدیل شده است.

خوشه‌های صنعتی یکی از الگوهای موفق سازماندهی صنایع کوچک و متوسط هستند که کاستی‌های صنایع کوچک و متوسط را رفع و مزیت‌های مختلف صنایع کوچک، چون انعطاف‌پذیری و تنوع را قوت می‌بخشند.

در این مقاله سعی شده باتشریح خوشه‌های صنعتی و مفاهیم آن به اهمیت و نقش آن در توسعه صنایع کوچک پرداخته شود.

واژگان کلیدی: خوشه‌های صنعتی^۱، توسعه، صنایع کوچک.

* دکترای تخصصی مدیریت دولتی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب
** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

1- Cluster Industrial

مقدمه:

با توجه به تغییرات محتوایی و کیفی بسیار زیادی که از چند دهه اخیر در بازارهای جهانی رخ داده و حرکت به سوی جهانی شدن بازارها شروع و به موازات آن، دوره تولید محوری در انتهای حیات خود و مشتری محوری در حال نضج گرفتن است، تولید کنندگان صنعتی با هدف استفاده بهینه از امکانات و جلوگیری از هدر رفتن منابع با ارزش، به تمهیداتی متوسل شده‌اند که نتیجه آن تغییر ساختار صنعتی است و از مشخصات اصلی این تغییر ساختار، ترویج بیش از پیش صنایع کوچک است. (ناطق وقلاتی ۱۳۸۵، ۱)

در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای به کوچک سازی شده و روند توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این بنگاه‌ها دارای مزایای زیادی نسبت به صنایع بزرگ هستند که از آن جمله می‌توان از ارزش افزوده، نوآوری، اشتغال آفرینی و انعطاف پذیری بیشتر نسبت به صنایع بزرگ نام برد. بنابراین لزوم توجه به این بخش از اقتصاد ضروری است. به علاوه فرایند یادگیری در توسعه صنایع کوچک و متوسط موجب تربیت مدیران توانمند می‌شود و خارج شدن این صنایع از صحنه رقابت (در صورتی که از رقابت پذیری پایینی برخوردار باشند) زیان بیشتری را بر جامعه تحمیل می‌کند. (کی مراد، ۳، ۱۳۸۴)

صنایع کوچک حدود ۳۰٪ ارزش تولیدات صنعتی را ایجاد می‌کنند، لیکن از لحاظ اشتغال، سهم مهمی از فرصت‌های شغلی را (۵۶٪) تأمین می‌کنند (اشمیتز و ندوی، ۱۳۸۱، ۱۷). یکی از راهکارهای اساسی که در محافل علمی برای ساماندهی به بحث صنایع کوچک و متوسط مورد توجه قرار گرفته است تجمیع این بنگاه‌ها و سازماندهی آنها در قالب خوشه‌های صنعتی است. بدین ترتیب، تمرکز تعدادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در یک حوزه جغرافیایی، موجب ایجاد مزایایی برای بنگاه‌های درون خوشه می‌شود. به عبارت دیگر، با تجمیع شرکت‌هایی که در زمینه‌های مشابه یا مرتبط، به عنوان جزئی از شبکه و زنجیره تولید فعالیت می‌نمایند و با تأکید بر کارایی جمعی^۱ و تقسیم کار بر اساس تخصص، این شرکت‌ها توان رقابتی خود جهت حضور در بازارهای جهانی را ارتقا داده و قادر خواهند بود نقش مؤثری در توسعه صنعتی کشورها ایفا نمایند (رابلوتی ۱۳۸۳، ۹). این شرکت‌ها می‌توانند از مزایایی از قبیل صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس و تنوع، انتقال دانش و فناوری، افزایش رقابت پذیری و ... برخوردار شوند که از کارایی جمعی حاصل می‌شوند.

تعریف خوشه صنعتی

خوشه صنعتی امروزه از واژه‌ها و مفاهیم نو در ادبیات اقتصاد منطقه‌ای و اقتصاد صنعتی به شمار می‌آید و به مجموعه‌ای از واحدهای کسب و کار^۲ اطلاق می‌شود که در یک منطقه جغرافیایی و یک گرایش صنعتی متمرکز شده و با همکاری و تکمیل فعالیت‌های یکدیگر، به تولید و عرضه تعدادی کالا و خدمات می‌پردازند و از چالش‌ها و فرصت‌های مشترک برخوردارند. البته تعاریف زیادی از سوی صاحب‌نظران و اندیشمندان در مورد خوشه صنعتی ارائه شده است:

در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای به کوچک سازی شده و روند توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این بنگاه‌ها دارای مزایای زیادی نسبت به صنایع بزرگ هستند که از آن جمله می‌توان از ارزش افزوده، نوآوری، اشتغال آفرینی و انعطاف پذیری بیشتر نسبت به صنایع بزرگ نام برد

خوشه عبارت است از تمرکز جغرافیایی نهادها و شرکت‌های مرتبط با یکدیگر در یک حوزه خاص (Porter, 1998, p.78). تعریفی که آلتنبرگ و اشتامر^۳، با توجه به متغیرهای اندازه‌پذیر (نه متغیرهای کیفی مانند اعتماد، اتکا به اجتماع یا محیط اخلاقی و ...)، از خوشه ارائه می‌کنند، به این شرح است: خوشه مجموعه‌ای نسبتاً بزرگ از شرکت‌ها است که در محدوده مکانی خاصی قرار دارند، پیشینه تخصصی مشخص دارند و در آن (خوشه)، تجارت بین شرکتی و تخصص شرکت‌ها چشمگیر است (اشمیتز و ندوی ۱۳۸۳، ۱۹) به صورت معمول خوشه‌های صنعتی به صورت یک گروه از بنگاه‌ها و مؤسسات اقتصادی و غیراقتصادی هستند که به صورت افقی و عمودی با یکدیگر در ارتباطند، با یکدیگر همکاری دارند و همچنین با یکدیگر رقابت می‌کنند. زمینه‌های همکاری متنوعی بین آنها وجود دارد، مانند خریدهای مشترک، استفاده از شبکه‌های توزیع مشترک، ارتباطات تکنولوژیکی، تحقیقات مشترک، زمینه‌های آموزش کارکنان، آموزش مشترک مدیران، برنامه‌های استانداردسازی جمعی، مطالعات مشترک بازار، خرید تکنولوژی‌های قابل استفاده مشترک و نیز استفاده از زمینه‌های بازار کار مشترک مثل تشکیل ذخیره سرمایه انسانی مشترک. (Enright, 1996) خوشه‌های صنعتی پدیده‌های اقتصادی هستند برآمده از مزیت‌ها، مهارت‌ها و دانش‌های قوام یافته در طول زمان در یک رشته صنعتی که با تکیه بر سرمایه‌های اجتماعی و با اهداف اقتصادی در مناطق جغرافیایی خاصی شکل می‌گیرند. (پایک، ۱۳۸۱، ۹)

با توجه به تعاریف بالا به طور کلی یک خوشه صنعتی مجموعه‌ای از بنگاه‌های تجاری و غیرتجاری متمرکز در یک مکان جغرافیایی در یک منطقه اقتصادی را شامل می‌شود که برای تولید یک یا چند محصول نهایی مشابه و مرتبط برای کسب صرفه‌های اقتصادی بیرونی با یکدیگر ارتباطات عمودی و افقی برقرار نموده و ضمن رقابت با یکدیگر در بسیاری از موارد همکاری جمعی و اقدامات مشترک دارند. ارتباط درونی این بنگاه‌ها کاهش دهنده هزینه‌ها و تسهیل کننده دسترسی به نهادها، دانش و فناوری تولید، بازارهای فروش و تأمین نیازهای مشتری خواهد بود. (دل انگیزان ۱۳۸۵، ۵)

1- Collective efficiency

2- Enterprises

3- Altenburg and stamer

اهمیت و ضرورت خوشه‌های صنعتی

توسعه صنعتی مبتنی بر خوشه‌ها به عنوان یک استراتژی نوین سال‌هاست که مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در کشورهای صنعتی و در حال توسعه می‌باشد و ضرورت دارد ابعاد نظری و اجرایی آن در کشورمان نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. سازمان‌های بین‌المللی همچون «یونیدو» و «سازمان بین‌المللی کار»^۲ پروژه‌های متعددی را از طریق ایجاد یا توسعه خوشه‌های صنعتی در کشورهای مختلف پیاده کرده‌اند که وزارت صنایع به دلایل متعددی توجه ویژه به این مقوله را لازم می‌داند.

۱. اشتغال‌زایی:

ایجاد فرصت‌های شغلی و فراهم کردن امکان حصول درآمد مناسب، یکی از اهداف کلیدی نظام می‌باشد که علی‌رغم تلاش‌های مثبت و امیدوارکننده‌ای که صورت پذیرفته همچنان مترصدیم تا راهکارهای نوین، مؤثر و منبعث از تجارب موفق جهانی را به کار گیریم. روشن است که فعالیت‌های صنعتی و حوزه‌های خدماتی مرتبط با آن، مهم‌ترین محور ایجاد اشتغال و درآمد برای شهروندان است و اشتغال‌زایی از طریق توسعه صنایع کوچک و متوسط و بزرگ یا رویکرد خوشه‌های یکپارچه یکی از موفق‌ترین تجارب بین‌المللی بوده است.

۲. توسعه منطقه‌ای:

عموماً توسعه خوشه‌های صنعتی با توجه به مزیت‌ها و قابلیت‌های منطقه‌ای برنامه‌ریزی می‌شود. امروزه ایجاد این گونه خوشه‌ها با تکیه بر توانمندی‌های منطقه‌ای به مؤثرترین ابزار توسعه منطقه‌ای در بسیاری از کشورهای صنعتی و تازه صنعتی شده بدل گشته است.

۳. ایجاد ارتباط بین واحدهای صنعتی کوچک و بزرگ:

دو قطبی بودن صنایع کشور، درجه بالای ادغام عمومی در واحدهای بزرگ، و فقدان ارتباط بین آنها با سایر واحدهای صنعتی یکی از معضلات ساختار صنعتی کشور است. به کارگیری ابزارهای مورد نیاز جهت توسعه و تعمیق شبکه‌های عمودی و افقی که در رویکرد خوشه‌ای مورد توجه خاص قرار دارد، مسلماً به این امر مساعدت می‌کند.

۴. مناسبت با فرهنگ و ساختارهای اجتماعی کشور:

بعضی کشورها، توسعه‌شتابان صنعتی خود را ناشی از به کارگیری نهادهای محدود سلسله‌مراتبی و ارائه امتیازات ویژه به آنها می‌دانند. به طور مثال در کره جنوبی بیست شرکت معظم خصوصی (همچون سامسونگ، هیوندای و دوو) نزدیک به ۴۰ درصد تولید ناخالص ملی کره را در اختیار دارند. در ژاپن نیز معدودی از کی‌رتسوها (مثل میتسوبی، میتسوبیسی و غیره) سهم بسیار قابل توجهی از اقتصاد آن کشور را در دست دارند. واقعیت آن است که فرهنگ و ساختار اجتماعی ما، چنین ساختار سلسله‌مراتبی را مشکل برمی‌تابد و از این رو باید به دنبال راهبردهایی باشیم که مشابه موفقیت کشورهای فوق را از طریق ایجاد ساختارهای غیرسلسله‌مراتبی ممکن سازد. در تجارت جهانی، ایجاد شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی مؤثرترین راهبرد از این زاویه نیز بوده است که موفقیت‌های تجاری ایتالیا، اسپانیا، برخی دیگر از کشورهای اروپایی و تا حدودی تایوان را باید متأثر از چنین رویکردی دانست.

۵. مناسبت با فعالیت‌های صنعتی که در کشور ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند:

خوشه‌ها در همه صنایع موضوعیت کامل ندارند (به ویژه در صنایع فرایندی)^۳، اما صناعی که در آنها خوشه‌ها عملکرد موفقیت‌آمیزی در سایر کشورها داشته‌اند، در ترکیب فعالیت‌های صنعتی کشور نیز دارای جایگاه مهمی هستند، مثل پوشاک، چرم، مبلمان، کاشی، ماشین‌سازی، خودرو و دیگر صنایع مهندسی سنگین و مکانیکی و انواع صناعی که به نوعی «طراحی‌بر»^۴ هستند.

۶. مناسبت با تحولات در حال انجام در وزارتخانه:

ایجاد سازمان صنایع کوچک، پشتیبانی از شکل‌گیری تشکلهای صنعتی، تحول در مأموریت سازمان‌های تابعه وزارت صنایع و معادن از بنگاه‌داری به سوی سازمان‌های توسعه‌ای و خصوصی‌سازی، همگی در جهت تقویت ساختارهای مدنی ایجاد شده در حوزه فعالیت صنعتی جامعه می‌باشد. رویکرد خوشه‌ای مسلماً در جهت دادن و بهره‌برداری از ساختارهای مدنی به منظور ارتقاء توان رقابتی مؤثر است. (اشمیتز و نندی، ۱۳۸۱، ۹-۷)

خوشه‌های صنعتی و عناصر تشکیل دهنده آن

چارچوب تشکیل یک خوشه بر چند اصل مبتنی است:

- ۱. وجود بنگاه‌های اقتصادی در عرض و طول یکدیگر
- ۲. وجود نهاد‌های محلی، هماهنگ‌کننده و ارتباط دهنده
- ۳. وجود قوانین و مقررات تسهیل‌کننده ارتباط (دین محمدی و همکاران، ۱۳۸۴، ۳)

یک خوشه متشکل از سه دسته عناصر اصلی است، شکل نحوه تعامل و استقرار این سه دسته از عناصر نشان می‌دهد.

شکل ۱: عناصر اصلی تشکیل دهنده یک خوشه و نحوه استقرار آنها (ساختار کلی خوشه صنعتی)



مأخذ: دین محمدی، مصطفی، سهراب دل‌انگیزان و زین‌العابدین صادقی (۱۳۸۴)، خوشه‌بندی فضای صنایع با فناوری برتر و تأثیر آن بر توسعه فناوری، دومین همایش دو سالانه آموزش عالی و اشتغال، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۴.

1- Unido

2- ILO

3- Process industries

4- design -intensive

این عناصر اصلی در کنار یکدیگر می‌توانند ضمن حرکت به سمت تخصص‌گرایی و پذیرش هویت تخصصی مشخص، هزینه‌های خود را کاهش دهند و بتوانند از صرفه‌های بیرونی و درونی ناشی از مقیاس و نیز صرفه‌های ثابت و متحرک ناشی از تجمع، بهره‌برداری نمایند. نهادها و بنگاه‌های پشتیبانی‌کننده خدماتی نیز با ایجاد امکان انجام خدمات تخصصی برای بنگاه‌های عضو خوشه، شرایط دسترسی آنها به آموزش‌های عمومی و تخصصی در سطوح مختلف، تربیت نیروی انسانی و اجرای برنامه‌های هماهنگ سازی مهارتی و استاندارد سازی، توسعه برنامه‌های تولیدی و برنامه ریزی‌های فنی - کیفیتی، اجرای موفق برنامه‌ها و مدیریت کیفیت یکسان^۱ در سطوح متفاوت، تعهدات بنگاه در مقابل مشتری، تسهیلات بنگاه در مقابل خدمات حقوقی در تدوین، اجرا و دادخواهی قراردادهای اقتصادی و نیز اجرای موفق برنامه‌های تحقیق و توسعه را فراهم می‌آورند.

بخش‌های ارتباطی و مرتبط کننده بنگاه‌ها از طریق ایجاد یک ذخیره مناسب از نیروی کار در سطوح مهارتی متفاوت، ذخیره‌ای از تخصص‌های فنی و خدماتی در بخش تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات و نیز ذخیره‌هایی از سرمایه‌های اجتماعی مربوط به اقدامات مشترک گروهی و فردی بنگاه‌ها در داخل خوشه، نقش خود را در خوشه ایفا می‌نمایند. نمودار ۲ این بخش‌های ارتباطی را به نحو ساده‌تری به نمایش می‌گذارد (دل انگیزان، ۴، ۱۳۸۵)

شکل ۲: وابستگی‌های درونی بنگاه‌ها و نهادها در یک خوشه



مأخذ: دل انگیزان، سهراب (۱۳۸۵) بررسی جایگاه خوشه‌های صنعتی در کسب مزیت رقابتی و توان مندراتی (مورد صنعت نساجی پوشاک چین) مجله تعاون، شماره‌های آذر و دی ماه.

توسعه صنایع کوچک

یکی از راه‌های توسعه صنعتی که در سال‌های اخیر مورد توجه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته قرار گرفته، روی آوردن به کوچک سازی صنایع و اتکا به توسعه و گسترش صنایع کوچک و متوسط به عنوان موتور توسعه صنعتی و اقتصادی است.

صنعت کوچک به مفهوم هر نوع فعالیت سازنده‌ای است که در مؤسسات نسبتاً کوچک انجام می‌گیرد (موسوی شاهرودی، ۳، ۱۳۸۳). اگر چه صنایع کوچک در سال‌های اخیر با سرعتی فزاینده در حال تبدیل شدن به کانون توجه بسیاری از سیاستگذاران و پژوهشگران می‌باشد لیکن هنوز تعریف واحدی از آن در سطح بین‌المللی ارائه نشده است. تعریفی که هر کشوری ارائه می‌کند بستگی به شرایط اقتصادی و ساختار صنعتی آن کشور دارد. معیارهای مختلفی برای تعریف این صنایع به کار می‌رود که در بعضی کشورها از یکی از این معیارها و در بعضی دیگر، از ترکیبی از این معیارها برای تعریف صنایع کوچک و متوسط استفاده می‌شود. از این معیارها می‌توان به تعداد کارکنان، میزان سرمایه، حجم دارایی، کل حجم فروش و ظرفیت تولید اشاره کرد که در تعریف صنایع به دلیل ویژگی‌های مشترک صنایع کوچک و متوسط این دو گروه در موارد بسیاری کنار هم قرار می‌گیرند (نیلی و همکاران، ۶۰۱، ۱۳۸۲). اما رایج‌ترین شاخص برای تعریف صنایع کوچک و متوسط استفاده از تعداد کارکنان می‌باشد (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۴، ۱۳۸۵). مؤسسات کوچک و متوسط شامل صنایع تولیدی و مؤسسات خدمات تجاری می‌باشند و غیر از معیاری که برای تعریف استفاده می‌شود صنایع کوچک و متوسط به صنایعی اطلاق می‌گردند که به صورت مستقل اداره و مدیریت می‌شوند و لذا شرکت‌هایی که به عنوان شعبه‌ای از

یک شرکت بزرگ فعالیت می‌کنند در تعریف صنایع کوچک و متوسط قرار نمی‌گیرند (کرمی، ۴۲، ۱۳۸۷). شاخص‌های توسعه صنایع کوچک به دو بعد فنی و اقتصادی تقسیم می‌شوند که از شاخص‌های فنی می‌توان به جایگزینی و تعویض ماشین‌آلات فرسوده با مدل‌های جدید و مدرن، تولید محصولات جدید، افزایش درآمد با طراحی محصولات جدید، حمل و نقل و جابجایی بهتر مواد، برخورداری از حداقل یک سوم نیروی تحصیلکرده فوق دیپلم به بالا، استفاده از دانش‌ها و مهارت‌های کارکنان، برخورداری از مدیریت صحیح، برخورداری از روند طراحی و تولید خط مکانیزه مهندسی، تغییر در فناوری نرم‌افزار و سخت افزار واحدهای تولیدی و برخورداری شرکت از فناوری پیشرفته بازاریابی اشاره کرد و از شاخص‌های اقتصادی می‌توان به ارائه خدمات بعد از فروش، افزایش ظرفیت تولید با قیمت تمام شده کمتر، افزایش در سرعت برگشت سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش میزان فروش، تنوع در محصولات تولیدی، صادرات محصولات به خارج و برخورداری شرکت از قیمت قابل رویت در بازارهای داخلی و خارجی نام برد (مولایی، ۱۶-۱۵)

بنابراین هدف نهایی هر برنامه توسعه باید به این امر منجر شود که صنایع خود اتکا گردند و بدون آن که به حمایت‌های بیشتری از طرف دولت نیاز داشته باشند بتوانند واحدهای تولیدی خود را به گونه‌ای اداره کنند که از سود اقتصادی مناسبی برخوردار شوند و با ارائه محصولات قابل رقابت بتوانند در بازارهای داخلی و خارجی بهره‌مند گردند.

پیامدهای توسعه صنایع کوچک

صنایع کوچک حداقل از چهار جنبه به اقتصاد جهانی کمک می‌کنند:

۱. کارآفرینی

صنایع کوچک با کمک به رشد روحیه کارآفرینی و ایفاء نقش به عنوان عامل تغییر در اقتصاد مدرن، به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کنند.

۲. نوآوری

صنایع کوچک نقش مهمی در فرایند تغییر فناوری به عهده دارند. آنها منبع قابل توجهی از فعالیت‌های نوآوری هستند.

۳. پویایی صنعت

صنایع کوچک نقش مهمی در فرایند تحول صنعت به عهده دارند.

۴. ایجاد فرصت‌های شغلی

صنایع کوچک در سال‌های اخیر سهم قابل ملاحظه‌ای در ایجاد شغل‌های جدید داشته‌اند. (Acs and Audretsch, 1991, p. 150) در دنیای مدرن کنونی، صنایع کوچک با مشخصات مخصوص به خود در موضوعات مختلف و مهمی چون رشد اقتصادی، رقابت و حل بحران بیکاری همه گیر، اثرات قابل توجهی دارند. این روندها پیامدهای زیادی برای اقتصاد جهانی دارند.

اول این که در کشورهای صنعتی، ظهور دوباره صنایع کوچک جنبه مهمی از سازماندهی جدید صنعتی به شمار می‌رود. آنچه قابل مشاهده می‌باشد بروز مجموعه جدیدی از عوامل است که با هماهنگی و تعامل، تغییرات جدیدی را در سازماندهی صنعتی ایجاد کرده‌اند. دوم، این که دموکراسی‌های جدید در اروپای شرقی وارث ساختارهای صنعتی هستند که به وضوح غیرمتعادل می‌باشند، کشورهای اروپای شرقی و همچنین اتحاد جماهیر شوروی سابق تولید انبوه را شاید تا خطرناک‌ترین حدود توسعه دادند تا جایی که اکثر کالاهای اساسی توسط کارخانه‌ای واحد و نه حتی یک سازمان تولید می‌شدند. سوم این که در کشورهای کمتر توسعه یافته که با صنایع کوچک بر اساس ایدئولوژی‌های حاکم مخالفت کرده‌اند و اقتصادهای غیررسمی، به شکل زیرزمینی و خود اشتغالی فعال بوده‌اند، صنایع کوچک تبدیل به بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار صنعتی آنها شده‌اند، در حالی که اقتصادهای غیررسمی نقش محوری در پویایی اجتماعی و اقتصادی این کشور دارند (اکس، ۱۳۸۳، ۶۲)

خوشه‌های صنعتی و توسعه صنایع کوچک

در کشور ما با وجودی که بیش از ۹۰ درصد واحدهای تولیدی در گروه صنایع کوچک و متوسط قرار می‌گیرند، به دلیل نداشتن استراتژی توسعه مبتنی بر ساختارهای موجود صنعتی و رها کردن واحدهای کوچک تولیدی به حال خود، این بنگاه‌ها نتوانسته‌اند سهم قابل توجهی در تولید ناخالص ملی و ایجاد ارزش افزوده داشته باشند. خوشه‌های صنعتی یکی از الگوهای موفق سازماندهی صنایع کوچک و متوسط هستند که کاستی‌های صنایع کوچک و متوسط را رفع و مزیت‌های مختلف صنایع کوچک، چون انعطاف‌پذیری و تنوع را قوت می‌بخشند. از سوی دیگر چون در شکل‌گیری خوشه صنعتی، ارائه خدمات پشتیبانی از قبیل نهادهای مشاوره‌ای، آموزشی، فنی - مهندسی، بازاریابی و بازرگانی و مالی اهمیت به سزایی دارد، بخش‌های ارتباطی که تسهیل‌کننده روابط بنگاه‌ها و مرتبط‌کننده واحدها با یکدیگر بوده و بخش‌های تجاری و تولیدی که ارائه‌کننده خدمات به واحدها و ... را دارا می‌باشند، نقش قابل توجهی در توسعه صنایع کوچک دارند و بر همین اساس

خوشه‌های صنعتی یکی از الگوهای موفق سازماندهی صنایع کوچک و متوسط هستند که کاستی‌های صنایع کوچک و متوسط را رفع و مزیت‌های مختلف صنایع کوچک چون انعطاف‌پذیری و تنوع را تقویت می‌بخشند

می‌توان استنباط کرد که فعالیت‌های دارای پتانسیل خوشه بندی، سهم زیادی از ساختار صنعتی یک منطقه را به خود اختصاص خواهند داد که در قالب آن ارائه خدمات حمایتی پشتیبانی، بخش‌های ارتباطی و بخش‌های تولیدی تجاری توجیه پذیر خواهد بود.

۱. نهادهای پشتیبانی‌کننده و توسعه صنایع کوچک

از آنجا که صنایع کوچک دارای واحدهای کوچک می‌باشند و آنقدر انعطاف‌پذیر نیستند که بتوانند نیازهای متعدد مصرف‌کنندگان را به دست آورند و مانند واحدهای بزرگ توان بهره‌مندی از توسعه، کیفیت، آموزش، بهره‌وری، قانونمندی و ... را دارا نیستند، لذا باید نهادی یا نهادهایی وجود داشته باشند تا از این واحدها حمایت و پشتیبانی کنند تا سبب خروج این واحدها از صحنه تولید نشوند. در غیر این صورت این واحدها تعطیل و زنجیره تأمین واحدهای بزرگ نیز با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین اگر این نهادهای حمایتگر و پشتیبانی‌کننده صنایع کوچک باشند این صنایع روز به روز در حال رشد و فزونی می‌باشند و موجبات بهبود عملکرد و رقابتی نمودن فعالیت‌های محوری توسعه صنایع کوچک را فراهم می‌آورند.

۲. بخش‌های ارتباطی و توسعه صنایع کوچک

زنجیره ارتباطی واحدها (صنایع کوچک) برای حضور فعال در صحنه فعالیت‌های اقتصادی اگر در جهت تسهیل اقدامات جمعی و به صورت تعاملی با یکدیگر وارد فعالیت شوند می‌توانند ضمن حرکت به سمت تخصص‌گرایی و پذیرش هویت تخصصی مشخص، کاهش هزینه برای واحدها را فراهم بیاورند و باعث بهره‌مندی تمام واحدها در برنامه‌های آموزشی، استراتژی‌های همسان، شبکه‌های توزیع مشترک، شرکت در نمایشگاه‌های مشترک، خرید و فروش و بسیاری از مزایای دیگر شوند. بهبود ارتباط هرچه بیشتر این واحدها به ترویج و توسعه بنگاه‌های موجود و سرعت بخشیدن به ایجاد شبکه‌های بین‌اعضا و در میان بنگاه‌ها کمک کرده، روابط بنگاه‌ها را با یکدیگر تسهیل نموده و موجبات توسعه این صنایع را فراهم می‌آورند.

۳. بخش‌های تجاری و توسعه صنایع کوچک

در این بخش به دلیل بهره‌مندی از فعالیت‌هایی مانند تحقیق و توسعه، واحدها می‌توانند کیفیت محصولات خود را افزایش دهند. این بخش‌ها که تأمین کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای را عهده‌دار بوده و خدمات تولیدی را به واحدها ارائه می‌دهند هر قدر در تأمین این کالاها خودکفا بوده و نیازهای خود را از داخل تأمین کنند موجبات تسهیل نوآوری و تسهیل در گردش اطلاعات و فناوری را فراهم آورده و دستیابی به پروسه مهم‌ترین تولیدات را آسان نموده، موجبات کاهش هزینه برای این صنایع شده، توسعه این صنایع را موجب می‌شوند.

نتیجه گیری

صنایع کوچک با وجود تمام مزیت‌هایی که دارا هستند به علت فعالیت در سطحی محدود و داشتن منابع، امکانات مالی و انسانی کم، دارای مشکلات زیادی در زمینه‌های مختلف مدیریت مالی، بازاریابی و فروش هستند. از آنجا که این بنگاه‌ها با برنامه‌ریزی صحیح می‌توانند به یکی از عوامل اصلی توسعه اقتصادی کشور تبدیل شوند، لذا برنامه‌ریزی برای توسعه و تقویت آنها از اهمیت بالایی برخوردار می‌شود. یکی از بهترین راهکارهای ارائه شده برای حل مشکلات بنگاه‌های کوچک و توسعه صنایع کوچک و متوسط، راهکار خوشه‌سازی و تجمیع آنها در قالب خوشه است. با تجمیع این شرکت‌ها امکان استفاده از تجربیات و امکانات همدیگر، امکان ایجاد امکانات مشترک و انجام امور به صورت اشتراکی به وجود می‌آید. لذا می‌توان گفت که خوشه‌های صنعتی در حوزه‌های مختلف باعث توسعه این صنایع می‌گردند.

بنابراین، با تشکیل خوشه و تجمیع این شرکت‌ها، این بنگاه‌ها هم می‌توانند از مزیت‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط بهره‌مند گردند و هم امکان دستیابی به امکانات و مزیت‌های بنگاه‌های بزرگ را کسب می‌کنند. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که خوشه‌های صنعتی، رهیافتی مؤثر و سودمند برای شناسایی و ایجاد بستر مناسب جهت توسعه صنایع کوچک می‌باشند و آنچه مسلم است در اکثر کشورهای دنیا، صنایع کوچک و متوسط با مزایایی که از طریق خوشه‌سازی کسب کرده‌اند، توانسته‌اند به عنوان مهم‌ترین بخش اقتصاد مطرح شوند که اگر به ایجاد و بهبود در عملکرد این بخش توجه نشود و حمایت‌های لازم از آنها صورت نگیرد، بخش اعظمی از توان بالقوه ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد کشور، قابلیت خود را از دست داده و روبرو به نابودی خواهد نهاد. □

منابع

۱. اشمیتز، هوبر، خالدندوی (۱۳۸۱) خوشه‌های صنعتی رویکردی نوین در توسعه صنعتی، عباس زندباف و عباس مخبر، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول.
۲. پایک فرانک، (۱۳۸۱)، همکاری صنایع خوشه صنعتی توسعه پایدار، بهرام شادابی و جهانگیر مجیدی، تهران، نشر هزاران، چاپ اول.
۳. دل انگیزان، سهراب (۱۳۸۵) بررسی جایگاه خوشه‌های صنعتی در کسب مزیت رقابتی و توان صادراتی (مورد صنعت نساجی پوشاک چین)، مجله تعاون، شماره‌های آذرماه و دی ماه.
۴. دین محمدی، مصطفی، سهراب دل انگیزان و زین العابدین صادقی (۱۳۸۴)، خوشه بندی فضایی صنایع با فناوری برتر و تأثیر آن بر توسعه فناوری «دومین همایش دو سالانه آموزش عالی و اشتغال، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۵. رابولتی، روبرتا (۱۳۸۳)، خوشه‌های صنعتی الگوی موفق توسعه درونزا، عباس مهرپویا و جهانگیر مجیدی، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری رسا، چاپ دوم.
۶. قلاتی، رحیم و محمد ناطق (۱۳۸۵) ضرورت خوشه سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۷۳.
۷. کرمی، اژدر (۱۳۸۷)، نگرش استراتژیک به بررسی نقش SME ها ارائه راهکارهای توسعه آن در استان آذربایجان شرقی، معاونت برنامه ریزی استانداری آذربایجان شرقی، چاپ اول.
۸. کی مراد، فرید (۱۳۸۴)، نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی، دانشگاه صنعتی شریف، انتشارات علمی، چاپ اول.
۹. مولایی، محمد، نوین سازی صنایع کوچک در ایران، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۵۰، آبان ۸۳، سال پانزدهم، ص ۱۶ و ۱۷.
۱۰. موسوی شاهرودی، محمد (۱۳۸۳)، صنایع کوچک محور توسعه روستایی، تهران، انتشارات نگین، چاپ اول.
۱۱. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۵)، نقش خوشه سازی در افزایش رقابت پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط با محوریت توسعه بازاریابی، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.
۱۲. نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲)، استراتژی توسعه صنعتی، دانشگاه صنعتی شریف.
13. Acs, Z J and Audretsch, D. B. 1991 *Innovation and Technological change: An International comparison* (Ann Arbor: University of Michigan press).
14. Enright, M.J. (1996), "Regional Clusters and Economic Development: A Research Agenda", In *Business Networks: prospects for Regional Development*, Edited by U.H. staber Et Al., Berlin, Walter De Gruyte.
15. Porter, M.E (1998), "Clusters and the new Economic of competition", *Harvard Business Review* (November/December), P 78.